

## اختلافات خانوادگی- علل، عوامل و راه حل ها



خانواده اولین مهمترین نهاد اجتماعی انسانهاست، بسیاری از هنجارها و ناهنجاریهای جامعه مربوط به همین نهاد مقدس است. هرچه محیط خانواده سالم و امن باشد ...

خانواده اولین مهمترین نهاد اجتماعی انسانهاست، بسیاری از هنجارها و ناهنجاریهای جامعه مربوط به همین نهاد مقدس است. هرچه محیط خانواده سالم و امن باشد به همان اندازه در روحیه افراد و اعضای آن تاثیر مثبت گذاشته و این تاثیرات مطلوب به جامعه منتقل می شود. اگر محیط خانواده محیطی نامساعد و ناهنجار باشد به همان اندازه بر اخلاق اعضای خانواده تاثیر سوء گذاشته و از این طریق جامعه را نیز متاثر می کند. و بیشترین تاثیر آن بر کودکان است، زیرا شخصیت کودک متأثر از برخورد اعضای خانواده با یکدیگر رشد کرده و شکل می گیرد، و اخلاق و روحیات بزرگترهای خانواده تاثیر مستقیمی در تربیت کودک دارد.

بدون شک بسیاری از مشکلات اخلاقی جامعه امروز ما ریشه در اختلافات خانوادگی دارد. آمارهای مربوط به مسایل اخلاقی نشان می دهد، اغلب افراد بزهکار از نعمت خانواده سالم محروم بوده و وارث ناهنجاریهای خانوادگی هستند. همچنین کسانی که در جامعه به موفقیت‌هایی رسیده‌اند نیز موفقیتشان را مدیون خانواده سالم خویش هستند.

این یک واقعیت ملموس و حقیقی است که انسانهای مصلح و موفق در خانواده های سالم و خوب پرورش می یابند. از اولین خصوصیات انبیا علیهم السلام نیز تعلق آنها به خاوندان پاک و سالم است، بگونه ای که حتی دشمنانشان نیز به پاکی خانوادگی آنها معترف بودند. نمونه های از این اعترافات را قرآن مجید ذکر کرده است: «#171: یا اخت هارون ماکان ابوک امراء سوء و ما کانت امک بغیا»؛ ای خواهر هارون! نه پدر تو مرد بدی بود و نه مادرت زن بدکاری!

در جوامع غربی سالهاست که بصورت برنامه ریزی شده فعالیتهای در جهت تضعیف خانواده انجام می گیرد و جوانان به بیرون آمدن از قید و بندهای خانوادگی و طغیان علیه آن تشویق می شوند. روانشناسان غربی نیز با این استدلال که تنها راه بدست آوردن شخصیت سالم و مستقل کنار گذاشتن سنتهای کهن خانوادگیست، تمام سعی و تلاش خود را در زمینه کاهش وابستگی‌های خانوادگی متمرکز کرده ناد.

این تفکرات تنها به جامعه غرب محدود نمانده بلکه جوامع شرقی و اسلامی را نیز تحت تاثیر قرار داده است و نتایج زبان بار آن در جامعه اسلامی کاملا به چشم می خورد؛ سردی روابط خانوادگی، افزایش آمار جرم و جنایت و سپردن سالمندان به مراکز خیریه و آسایشگاه‌ها از نتایج این تفکرات بیمارگونه است.

امروزه جوامع غربی طعم تلخ همین اقدامات به ظاهر اصلاح طلبانه را می‌چشند و اندیشمندان غرب در صدد بازپایی و روابط سالم خانوادگی بر آمده اند و املا به این حقیقت پی برده‌اند که نهاد خانواده نیرویی بازدارنده است و پایبندی به آن تاثیر زیادی در سالم سازی جامعه دارد.

دین اسلام خانواده را نهاد مقدسی می داند و اعضای خانواده را به پاسداری از آن و رعایت حقوق یکدیگر تشویق و تاکید می نماید. بدون شک در سایه رعایت حقوق یکدیگر و انجام وظایف فردی است که محیط خانواده محیطی سالم و بستری مناسب برای شکل گیری جامعه ای سالم خواهد بود.

البته وجود اختلاف و نارضایتی در هر جمع و گروهی کاملا طبیعی است، مخصوصا در جمع خانوادگی که منافع افراد و اعضای آن با هم گره خورده و بعضا در تضاد و اصطکاک با هم قرار می گیرد.

گرچه سوء تفاهمات و اختلافات درونی در کنار وسوسه شیطانی و دخالت اطرافیان از عوامل مهم اختلافات خانوادگی بشمار می‌آیند اما امروزه زندگی ماشینی و رقابتهای مادی از سویی و هجوم فرهنگ غرب و خود محوری و فراگیرایی از سویی دیگر بیش از پیش باعث بیگانگی از هم شده و کانون خانواده را با خطرات جدی مواجه ساخته است.

نظر به اهمیت اصلاح خانواده و جامعه جا دارد در زمینه ریشه یابی علل و عوامل اختلافات و راهکارهای حل آن تدابیر کارشناسانه ای اندیشیده شده، راهنمایی های لازم به جوانان داده شود. و این امر میسر نخواهد بود مگر با همکاری اندیشمندان و مصلحین جامعه با مسئولین اجتماعی.

ما نیز به نوبه خود به قدر توان در این نوشتار سعی خواهیم کرد، ضمن معرفی عوامل درونی و بیرونی اختلافات و معضلات خانوادگی

به چاره جویی و پیشنهاد راهکارهای لازم بپردازیم.

## اهمیت ایجاد صلح و آشتی

اهمیت ایجاد صلح و آشتی و بر طرف کردن کدورتها بر کسی پوشیده نیست و این عمل در فهرست وظایف انبیاء قرار دارد. برای اثبات جایگاه رفیع صلح و آشتی در اینجا ما به چند نکته بسنده می کنیم:

1- برتری اصلاح ذات البین از عبادات نفلی: یکی از دلایلی که اهمیت این عمل اجتماعی را ثابت می کند برتر بودن آن از عباداتی همچون روزه، نماز و صدقه است، در صورتیکه که عبادات مذکور از اهم عبادات در اسلام هستند، مخصوصا در مورد روزه در یک حدیث قدسی آمده است: «#171; الصوم لی و انا اجزی به»؛ روزه برای من (الله تعالی) است و من خود پاداش آن را خواهم داد. اما با این حال ایجاد صلح و آشتی در میان انسانها برتر از آن است.

2- ترک نماز جاعت بخاطر ایجاد صلح: اهمیت نماز جماعت بحدی است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در طول مدت حیات خویش خود شخصا به اقامه آن می پرداختند و بسیاری از امور انفرادی و اجتماعی را بخاطر آن بتاخیر می انداخت و جز در موارد بیماری یا سفر هرگز اتفاق نمی افتاد که ایشان جاعت را ترک کرده باشند؛ اما فقط یکبار آن حضرت صلی الله علیه وسلم در حال صحت و سلامت کامل نماز جماعت را ترک کردند که آن هم بخاطر ایجاد صلح و آشتی بود. [۲]

3- لیس الکذاب الذی ینمی خیرا: دروغ در اسلام عملی زشت و از گناهان کبیره است، اما اگر کسی برای ایجاد صلح و آشتی میان دو کس یا دو گروه، کلامی بظاهر خلاف واقع بگوید یعنی به این صورت که از انتقال مسایلی که موجب کدورت گشته و دشمنی را بیشتر می کند اجتناب کرده و در عوض به هریک از آن دو بگوید که طرف مقابل در مورد او حسن نیت دارد و به این صورت زمینه را برای صلح و آشتی فراهم آورد، از دروغگویان نخواهد بود و وعیدهای عمل زشت دروغ شامل او نخواهد شد.

## ایجاد اختلاف از مهمترین وظایف شیطان

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در ادامه حدیث گذشته فرمودند: «#171;فساد ذات البین هی الحالقة»؛ اختلاف از بین برنده است. و سپس فرمودند از بین برنده دین شما است. اختلاف و درگیری واقعا از بین برنده دین و ایمان انسان است زیرا افراد را مبتلا به گناهان بی شمار دیگری همچون دروغ، تهمت، غیبت، تکبر، حسادت و غیره می نماید. در حدیث دیگری فرمودند: «#171;اذا التقی المسلمان بسیفیهم فالقاتل والمقتول کلاهما فی النار»؛ هرگاه دو مسلمان (بخاطر تعصبات قومی و فامیلی) با یکدیگر دیگر (و کشته) شوند سر انجام هر دوی آنها آتش خواهد بود.

اختلاف و درگیری که در جمع و قومی نکوهیده و بد است، در جمع خانوادگی بدتر است زیرا این عمل بیش از هر چیز دیگری موجب مسرت و خوشحالی شیطان می گردد.

در روایتی آمده است: «#171;ایادی شیطان پس از اینکه وظایفشان را انجام می دهند در یک گرد همایی برای انتخاب یک شیطان نمونه شرکت می کنند و هرکدام گزارش تلاشهایشان را ارائه می نمایند. در حالیکه بسیاری از آنها توانسته اند انسانهایی را مرتکب اعمال حرام و ترک فرائض و یا وادار به قتل عمد نمایند، اما در نهایت فردی به عنوان شیطان نمونه انتخاب می شود که توانسته است با وسوسه های مکرر، میان زن و شوهری اختلاف انداخته و موجب جدایی آن دو گردد. [۳]

شاید یکی از دلایل مسرت بیش از حد شیطان از اختلافات خانوادگی این باشد که اختلاف و ناراضیتی زن و شوهر تنها به خود آن دو محدود نمانده بلکه موجب اختلافات دیگری در میان فامیل گشته و دامنه آن وسعت پیدا می کند. و شاید به همین علت است که خداوند متعال در قرآن مجید با آیه شریفه «#171;یا ایها الناس اتقوا ربکم»؛ ای مردم! از عقاب و عذاب پروردگارتان بترسید.

بطور مکرر زند و مرد را مورد خطاب قرار داده و آن دو را به رعایت حقوق یکدیگر توصیه و از ایجاد اختلاف بر حذر می دارد.

## برخی از عوامل اختلافات خانوادگی

1- ازدواج اجباری: یکی از علل اختلافات خانوادگی و شاید از مهمترین آن، ازدواجهای اجباری مخصوصا بی توجهی به رضایت دختر باشد. این امر در جوامع سنتی و عشیره ای بیش از دیگر جوامع مشهود است. قطعا دختر و پسری که بدون رضایت پدر و مادر و به زور به عقد یکدیگر در آمده باشند، ازدواجشان فرجام خوشی نخواهد داشت. زیرا عدم تفاهم از همان ابتدای ازدواج مانع خوشبختی

شده و رزو به رزو نیز به شدت تنفر و انزجارشان نسبت به یکدیگر افزوده می شود.

ازدواج اجباری در جامعه پدر سالاری قریش و کلا عرب آن روز بسیار متداول بود، بگونه ای که کمتر دختری جرأت می کرد با رای پدر و اولیای خویش مخالفت کند و یا بدون اجازه آنها برای ازدواج با فرد مورد علاقه خویش اظهار تمایل نماید. اغلب دختران علی رغم میل باطنی با فرد پیشنهادی اولیاء خویش ازدواج می کردند و آنرا بخشی از سرنوشت و تقدیر تاریخ خویش می دانستند.

اما رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با این رسم جاهلی به شدت مبارزه کرده و بارها ازدواج‌های اجباری را بر هم زدند و والدین را متقاعد ساختند که دختر و پسر باید با عشق و علاقه قلبی ازدواج نمایند نه فقط بخاطر رضایت اولیاء.

البته در اینجا لازم است به این نکته نیز اشاره کنیم که تنها عشق و تفاهم برای ایجاد زندگی سعادت‌مند کافی نیست و در کنار آن باید به تناسب نیز توجه شود. دختر و پسر باید از نظر سن، دیانت، فرهنگ و اخلاق با هم تناسب داشته و هم شان یکدیگر (کفو) باشند زیرا در اینصورت بهتر همدیگر را درک کرده و زندگی خوش‌گوارتری خواهند داشت.

تفاوت‌های دینی، مالی و فرهنگی اغلب موجب توهین و تحقیر یکدیگر شده و زندگی زناشویی را تلخ می نمایند: همچنین عدم تناسب سنس باعث عدم درک متقابل و سردی روابط می گردد.

2- دخالت اطرافیان: دخالت‌های اطرافیان مخصوصاً خانواده‌ها یکی از مشکلات زوجهای جوان در اوایل زندگی مشترک است. در جوامع سنتی این امر به یک معضل جدی برای خانواده‌ها تبدیل شده و همواره حوادث تلخی همچون خودکشی، قتل و طلاق را موجب می گردد. متأسفانه در این جوامع گاهی زوجهای جوان بدون کوچکترین اختلافی صرفاً بخاطر جلب اطرافیان و بزرگان فامیل ناچارند از هم جدا شوند و در واقع زندگی آنها عرصه انتقام‌گیری و اشباع حس غرور بزرگترها می شود. در حالیکه این عمل نه تنها مشکلی را حل نمی نماید بلکه مشکلات لا ینحل دیگری نیز به آن اضافه می کند.

نوع دیگری از دخالت، دخالت انسانهای منحرفی است که برای رسیدن به مقاصد شوم و غیر اخلاقی خویش با ایجاد سوء ظن و فتنه جویی موجب بدبینی زوجین از یکدیگر شده، موجبات جدایی آنها را فراهم می آورند، و برای این کار حتی به اعمال زشت و پستی همچون جادو و غیره نیز متوصل می شوند. چنین افرادی طبق فرموده قرآن مجید هی بهره ای در آخرت ندارند و کاملاً افتخار همکاری با شیطان را دارا می باشند. &#171;فتعلمون منها ما یفرقون به بین المرء و زوجة و ما هم بضارین من احد الا باذن الله و لقد علموا لمن اشتراه ما له فی الآخرة من خلاق&#171;؛ از ایشان چیزهایی آموختند (و در راهی از آن استفاده کردند) که با آن میان مرد و همسرش جدایی فی افکندند. و حال آنکه با چنین جادویی نمی توانند به کسی زیان برسانند مگر اینکه با اجازه و خواست خدا باشد و آنان قسمتهایی را فرا می گرفتند که بر ایشان (از لحاظ دنیا و آخرت) زیان داشت و بدیشان سودی نمی رساند و مسلماً نمی دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد، بهره ای در آخرت نخواهد داشت.

3- عدم توجه به معنویت و دیانت: یکی از عوامل تفرقه و درگیریهای خانوادگی ضعف معنویت و دیانت است. این امر موجب خودخواهی، خود محوری و بی توجهی نسبت به وظایف زناشویی و حقوق دیگران می گردد. در این صورت فرد صرفاً به منافع فردی خویش توجه داشته و نتایج و فواید اعمالش را در زندگی دنیوی خویش دنبال می کند و دلیلی نمی بیند که کاری را که ظاهراً نفعی ندارد صرفاً در جهت خدمت به دیگران و نجات زندگی خانوادگی انجام دهد.

قطعا دیانت هرکدام از زوجین ضمن اینکه زندگی را برای همسرش شیرین و لذت بخش می کند باعث گرمی و صمیمیت روابط زناشویی نیز می گردد. شوهر دیندار سعادت خویش را در گرو سعادت خانواده خویش می داند و بر آوردن نیازهای خانواده را از اهم واجبات خویش بحساب آورده در جهت تحقق آن تلاش می کند. همچنین زن متدین، حفاظت از اموال و آبروی شوهرش را از واجبات دینی خویش بحساب آورده همواره با شوهرش صادقانه برخورد می کند و عقایدش هرگز این اجازه را به او نمی دهد که به شوهرش خیانت کند.

4- توقعات زیاد و ناسپاسی: یکی از عواملی که باعث بروز اختلاف در خانواده می گردد، توقعاتی است که اعضای خانواده از یکدیگر دارند، در حالیکه بسیاری از این توقعات بر آورده نمی شوند و مشکل عمده اینجاست که همه به توقعاتی که از دیگران دارند توجه می کنند نه به توقعات و انتظاراتی که دیگران از آنها دارند.

انسانها همواره خوبیهایی را که در حق دیگران کرده اند به یاد دارند و از اینکه در مقابل آن خوبیهها پاسخی دریافت نمی کنند ناراحت شده و از بی نمک بودن دشت خویش گلایه دارند، اما در مورد کوتاهی های خود و خوبیهای دیگران چنان حضور ذهنی ندارند. وقتی در یک خانواده همه اعضای آن با چنین نگرشی اعمال همدیگر را مورد ارزیابی قرار دهند طبیعی است که همواره در میانشان ناراحتی و گلایه خواهد بود.

راه از بین بردن این گلیه ها کم کردن توقعات است. انسان باید توقعات و انتظاراتش را از انسانها بریده و به خالق خویش وابسته نماید و از کسی انتظار نداشته باشد که خوبیها و نیکیهای او را جبران کند.

نیکی را باید همواره بخاطر خود نیکی و اجر و ثوابی که دارد انجام داد نه با انتظار جبران آن. در این صورت است که شخص از نیکی کردن به دیگران لذت می برد و البته زندگی بسیار لذت بخش تری نیز در قیامت در انتظار او خواهد بود. و همین توجه به ثواب اخروی زندگی دنیوی را نیز شیرین و باطراوت می کند.

این حقیقت را هم باید پذیرفت که فراموش کردن احسانات دیگران و ناسپاسی برای بشر امری کاملا طبیعی است و همیشه انتظار سپاسگزاری از آن انتظار بی حاصل خواهد بود.

عده ای از والدین همواره از ناسپاسی فرزندانشان گلیه دارند، البته حق هم دارند، زیرا پر و مادر نه تنها به عنوان سرپرست و بزرگ خانه بلکه بعنوان کسانی که بزرگترین حق را بر انسان دارند شایسته تکریم و اطاعت هستند و اطاعت از آنها از عبادات مهم محسوب می گردد. قرآن مجید نیکی به والدین را پس از ایمان به خدا بزرگترین عمل صالح قرار داده است و جوانی و سعادت خویش را مدیون والدین خویش هستند و والدین حق دارند در پاسخ این همه ایثار و احسان انتظار سپاسگذاری و حق شناسی داشته باشند. البته این امر به تربیت فرزندان بستگی دارد، اگر والدین می خواهند فرزندان حق شناس و سپاسگزار داشته باشند باید آنها را همانگونه تربیت نمایند زیرا حق شناسی میوه پرورش صحیح است و نمی توان آنها در میان افراد تربیت نیافته پیدا کرد. و البته وهله اول لازم است که والدین خود حق شناس باشند، زیرا اگر فرزندان مشاهده کند که والدینشان نسبت به دیگران حق شناس و سپاسگزار نیستند بخوبی این عادت را از آنها تقلید کرده و در مورد خودشان عملی می سازند.

5- اختلاف سلیقه: یکی از مواردی که بهضا زندگی مشرک را با مشکل مواجه می کند، اختلاف سلیقه است. وجود اختلاف سلیقه در میان دو فرد امری طبیعی و مسلم است، مخصصا اگر دو فرد از نظر فرهنگی و مالی تفاوتی با هم داشته باشند. گاهی مسایلی مانند نسب، ثروت و سواد بهانه هایی می شوند برای اثبات برتری و تحقیر یکدیگر؛ در دین اسلام برای جلوگیری از مشکلاتی که از این بابت ممکن است در راه زندگی مشترک قرار گیرند توصیه شده که زوجین از نظر فرهنگ، نسب و مخصوصا دیانت تناسب داشته باشند، اما با این حال در زندگی شهری امروز تفاوتی نسبی، فرهنگی و مالی امری اجتناب ناپذیر است. پس نباید این تفاوتها را بهانه ای برای تلخ کردن زندگی مشترک قرار داد و باید پذیرفت که زن و مرد با تمام این تفاوتها و نا برابریها در حقیقت از یک سرچشمه و نژاد هستند. قرآن مجید این حقیقت را آشکارا اعلام داشته است: ﴿وَاللَّيْسَ لَهَا مِنْكُمْ شَيْءٌ وَهُوَ عَلَيْهَا كَذِبٌ أُولَٰئِكَ يُجْرِبُونَ قُلُوبَهُمْ لِئَلَّا يَفْقَهُوا قَوْلَ اللَّهِ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ [سوره نساء: 171]؛ یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجلا کثیرا و نساء ﴿[raquo;[۶& نساء﴾ ای مردمان از (خشم) پروردگارتان بپرهیزید. پروردگاری که شمار را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع او آفرید، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی (بر روی زمین) منتشر ساخت.

6- اختلاف سلیقه و دیدگاه گاهی سبب می شود که هریک از زوجین نقاط ضعفی را در دیگری مشاهده نماید و بسیاری از عادات و اعمال او را ناپسند و زشت بدانند. توجه به این نکته ضروری است که هر آنچه در نگاه شخص زشت جلوه کند لازم نیست که در حقیقت هم زشت باشد و یا آنچه را که انسان زیبا می پندارد چه بسا که در واقع زیبا نباشد؛ بارهای اتفاق می افتد که انسان ایده آلهای گذشته خود را تغییر داده و آنها را اشتباه بدانند و چه بسا آنچه را که امروز ایده آل قرار داده روزی تغییر داده و اشتباه بدانند. قرآن مجید در این مورد تعبیر زیبایی دارد انجا که می فرماید: ﴿وَاللَّيْسَ لَهَا مِنْكُمْ شَيْءٌ وَهُوَ عَلَيْهَا كَذِبٌ أُولَٰئِكَ يُجْرِبُونَ قُلُوبَهُمْ لِئَلَّا يَفْقَهُوا قَوْلَ اللَّهِ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ [سوره نساء: 171]؛ و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئا و هو شر لکم ﴿[raquo;[۷& لیکن چه بسا چیزی را دوست نمی دارید و آن چیز برای شما نیک باشد، و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید و آن چیز برای شما بد باشد.

7- این طبیعی است که هرکس از دیدگاه مخصوص خودش به تجزیه و تحلیل مسایل می پردازد. یکی ممکن است چیزی را زیبا ببیند اما دیگری بعینه همان را زشت بدانند، ممکن است شخصی که در مسجد نشسته خیابانی را که از بغل مسجد می گذرد قناس ببیند اما دیگری که در خیابان قرار دارد خیابان را مستقیم و دیوار مسجد را قناس بدانند. [۸] از این رو به تفاوت نظر و دیدگاه نباید زیاد اهمیت داد. امام مسلم در صحیح خویش روایتی نقل کرده اند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: ﴿ان المرء خلقت من ضلع ان تستقیم علی طریقة فان استمتعت بها و بها عوج و ذهب تقیمها کسرتها و کسرها طلاقها﴾ [raquo;[۹& همانا زن از پهلو آفریده شده که هرگز راست نمی گردد، اگر بخواهید در همان حال از آن استفاده کنید می تواند اما اگر بخواهید راستش کنید می شکنید او را و شکنستن طلاق اوست.

در این حدیث شریف رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به این حقیقت اشاره کردند که هرکجی دلیل بر معیوب بودن نیست همانگونه که کج بودن پهلو عیبی نیست زیرا اگر پهلو انسان راست می بود این زیبایی را نداشت، ضمن اینکه عمل تنفس هم بخوبی انجام نمی گرفت. همین طور بسیاری از زیباییهای شخصیت زن هم بخاطر همین کجی هاست.

شاید ذکر داستانی این حقیقت را بیشتر برای ما روشن کند؛ علامه محمد تقی عثمانی در یکی از سخنرانی‌هایش داستان پیرزنی را نقل کرده اند که مالک عقابی بود، این پیرزن ساده لوح کج بودن منقار و چنگال‌های عقاب را عیب می دانست و تصور می کرد که این کجی‌ها ممکن است مانع راه رفتن و شکار عقاب گردد، بهمن خاطر از سر دلسوزی با قیچی منقار و چنگال‌های عقاب را قطع کرد، اما با این عمل موجب نابودی عقاب بیچاره گشت. [۱۰]

از این رو بجای تلاش بی ثمر در مورد نقاط ضعف همسر خویش، باید به نقاط قوتش توجه داشت زیرا اگر مثبت فکر شود قطعا هر کدام از زوجین نقاط قوت بیشتری در یکدیگر مشاهده خواهند نمود، و با توجه به مزیت‌ها و زیبایی‌ها و صرف نظر کردن از ضعفها می توان بسیاری از درگیریها و کدورت‌ها را از بین برد. چنانکه در حدیثی آمده است: «لا یفرک مومن مومنة ان کره منها خلقا رضی منها آخر» [۱۱]؛ هیچ مرد مومنی نباید از زن مومنه اش متنفر باشد زیرا اگر عادت‌ها را از عاداتش نپسندد عادت دیگری را خواهد پسندید.

شفافا نبودن مسایل مالی: یکی از مسایل که می تواند زمینه ساز بسیاری از اختلافات باشد شفاف نبودن مسایل مالی در خانواده است. در بسیاری از خانواده ها اموال و دارایی‌های اعضای خانواده مشترک و مشاع است و افراد بخاطر صمیمیت و یا رودربایستی از شفاف کردن دخل و خرج خویش طفره می روند و حتی آنرا عیب می دانند. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در این باره فرمودند: «تعاشروا کالخوان تعاملوا کالاجانب»؛ با هم همچون برادران معاشرت و همزیستی داشته باشید ولی در معاملات و داد و ستد همچون بیگانگان برخورد کنید.

آنچه از این فرموده گهر بار رسول اکرم صلی الله علیه وسلم استدلال می شود این است که در معاملات باید قانونمند و بدون رودربایستی عمل گردد، اگر چه معامله در میان اعضای یک خانواده باشد. در اموال مشترک لازم است سهم هر کدام از شرکاء و مقدار مصرفی هر یک مشخص و روشن باشد تا بعدا بر سر میزان مالکیت یا سود و زیان احتمالی اختلافی بروز نکند. زیرا مسایل مالی قطعا پس از گذشت زمان موجب اختلاف در میان برادران خواهد شد، حتی اگر بپذیریم که آنها اختلاف نکنند، قطعا فرزندان‌شان اختلاف خواهند کرد.

8- تقسیم نکردن ارث: یکی از عوامل درگیریهای خانوادگی تقسیم نکردن ارث، مخصوصا محروم کردن زنان و دختران از آن است. این مسئله اغلب موجب کدورت‌های عمیق شده و تا چند نسل ادامه پیدا می کند و در مواردی موجب قتل و خونریزی نیز می گردد.

در جوامع سنتی بدلیل حاکم بودن فرهنگ مرد سالاری محروم کردن زنان و دختران از ارث به فرهنگی رایج و عادی تبدیل شده و کمتر صدای اعتراض در مورد آن شنیده می شود، حتی خود دختران نیز تحت تاثیر این فرهنگ جرات مطالبه حقوق خویش را نداشته و به ناچار سکوت می کنند و بقیه ورثه که در اغلب موارد برادران و یا عموها و کل مال ترکه را تصاحب می کنند. حتی در مواردی اگر اعتراضی هم توسط زنی بشود، از آنجایی که برای او حقی قایل نیستند، توجهی به این اعتراضات نداشته و خوردن اموال او را حلال می دانند. در حالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لا یحل مال امرء مسلم الا بطیب نفس»؛ مال هیچ شخص مسلمانی بدون رضایت قلبیش برای کس دیگری حلال نیست.

شاید زشت ترین و زننده ترین صحنه این ظلم بزرگ زمانی است که اموال یتیمی توسط عموها و دیگر ورثه با تاراج رفته و جلوی چشمان اشکبارش حیف و میل می شود.

این عمل به حدی زشت و شنیع است که هر وجدان بیداری را متالم ساخته و عرش الهی را نیز به لرزه در می آورد.

اما آیا این وجدان خوابیده انسانهای قسی القلب نیز روزی بیدار خواهد شد؟ [۱۲]؛ به امید آن روز؛

1- مریم ۲۸

2- علامه محمد تقی عثمانی، اصلاحی خطبات: ۱۱/۱۸۸، میمن اسلامک پبلیشر کراچی

3- مسلم بن حجاز نیشابوری، صحیح مسلم، باب الفتن و اشرافه، شماره: ۵۰۳۲

4- نساء: ۱، حج: ۱، لقمان: ۳۳، زمر: ۱۰

5- بقره: ۱۰۲

8- علامه محمد تقی عثمانی، اصلاحی خطبات، ۲۳۱/۱۱ میمن اسلامک پبلیشر کراچی

9- صحیح مسلم کتاب الرضاع، باب الوصیة بالنساء، حدیث: ۲۶۷۰

10- علامه محمد تقی عثمانی، اصلاحی خطبات، ۲۳۱/۱۱، میمن اسلامک پبلیشر کراچی

11- صحیح مسلم، کتاب الرضاع، باب الوصیة بالنساء، حدیث ۲۶۷۲ منبع: اهل سنت